

علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)

تاریخ دریافت: 85/9/7

تاریخ تأیید: 85/10/24*
نقیسه فاضلی‌نیا

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و توفیق اسلام در ایفای نقش ایدئولوژیک برای آن، مذهب و دین به منزله عامل جدید قدرت در نظام بین‌الملل مطرح شد. انقلاب اسلامی با این ایدئولوژی فراملی، ادعای غرب مبنی بر قیادت جوامع بشری را به چالش کشیده است. با این حال، بررسی علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی با رجوع صرف به چالش‌های ایدئولوژیکی، و نقش مذهب به مثابه عامل جدید قدرت، گمراه‌کننده خواهد بود. در این نوشتار سعی شده است تا علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی در منطقه در دو سطح تحلیل ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شیعه، تشیع، غرب.

مقدمه

با نگاهی به اثرات علایق ژئوپلیتیک در رفتار ابر قدرت‌ها نسبت به ایران تا قبل از انقلاب اسلامی در می‌یابیم که موقعیت ژئوپلیتیک ایران

تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)
علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی

(با



تا این مقطع بیشتر با تأکید بر متغیرهای مطرح در نظریات سنتی ژئوپلتیک، ارزیابی می-شد. در این راستا سیاست‌های آمریکا در منطقه بر مسائل امنیتی تأکید داشتند و ژئوپلتیک منطقه از این جهت که منابع انرژی را برای کشورهای غربی تأمین می کرد، حائز اهمیت بود.

در نظریات کلاسیک ژئوپلتیک، ژئوپلتیست‌ها تأکید بسیاری بر فاصله، فضا و مرزها داشتند، یعنی ارزش‌هایی که در پدیده تکنولوژی نظامی آن دوره حائز اهمیت بودند، ولی در سده حاضر، دیگر قدرت نظامی، شاخص قدرت رهبری برای کشورها در صحنه بین المللی نیست، زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم، فرصت بروز نمی‌یابد و فاکتورها و متغیرهای جدید، روش ما را در ارزیابی موقعیت‌های ژئوپلتیکی تعیین می‌کنند.¹

در حال حاضر، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلتیک، حیطه‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیایی را مطرح کرده است. تا پیش از انقلاب اسلامی، دین اسلام تنها یک دین فاقد کارکردهای سیاسی محسوب می‌شد، اما انقلاب ایران جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را بالفعل ساخت و تفکر شیعی با انسجام ساختاری در ایران نشان داد که توانایی به ظهور رساندن یکی از بزرگترین انقلاب‌های تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های رهایی بخش و جنبش‌ها توجه خود را به ایران و اسلام معطوف کنند.

به این ترتیب نقش حساس اسلام در صحنه سیاست بین‌المللی باعث شد که ژئوپلتیک کشورهایایی که تمام یا اکثریت جمعیت آنها مسلمان بودند، در نگرشی مجدد ارزیابی شود. این امر در جایی اهمیت خاص می‌یافت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص و ویژه این حیطه از جهان به لحاظ دسترسی به عظیم ترین منابع

نفتی خود نمایی می‌کرد و پدیده ای به نام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت.²

در این چهارچوب، موقعیت حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جمعیت بیش از یک میلیارد نفری مسلمانان در جهان، صاحب‌نظران و سیاستمداران غرب را وادار ساخته تا در حوزه ژئوپلیتیک به اسلام، خصوصاً عنصر تشیع بپردازند.

از منظر جغرافیای سیاسی، پیدایش نهضت‌های اسلامی به منزله یکی از عوامل متغیر ژئوپلیتیک موجب افزایش حساسیت‌ها در مورد دیگر عوامل ثابت آن شده است. از این منظر با توجه به مرام و ایدئولوژی خاص جنبش‌های اسلامی، دستیابی آنها به منابع نفتی، قدرت سیاسی مناطق حساس و ترانزیت جغرافیایی، اهمیت ژئوپلیتیک آنها را چند برابر می‌کند و به همین دلیل غرب تلاش می‌کند تا مانع چنین رویدادی شود که از نظر آنها تهدید جدی به شمار می‌آید.³

با توجه به مطالب فوق می‌توان علل نگرانی از انقلاب اسلامی در منطقه را بر اساس رابطه متقابل ساختار (موقعیت ژئوپلیتیکی شیعیان) و کارگزار (ایدئولوژی انقلابی تشیع) و تأثیر آن بر منافع غرب در منطقه تحلیل و بررسی کرد.

انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر کارگزار

برای بررسی جایگاه و اهداف هر تحول و انقلاب ایدئولوژیک، اولاً باید مکتب حاکم بر انقلاب را با توجه به روح و عمق و کلیت آن بازشناخت و ثانیاً به تلقی افرادی که با تکیه بر آن قیام کرده‌اند، توجه داشت.⁴ از طرفی، ایدئولوژی به منزله نوعی نقشه و راهنما برای کارگزاران محسوب می‌شود و کنش و رفتار دولت‌ها را هدایت می‌کند و نیروی محرکه کنش سیاسی توده‌ها و کارگزاران سیاسی به

شمار می‌رود.⁵

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد، فهم انقلاب اسلامی ایران نیز که اساساً هویتی دینی دارد، بدون شناخت ایدئولوژی تشیع که نقش ایدئولوژی انقلاب را ایفا کرد، و همچنین درک نقش امام خمینی(ره) به عنوان ایدئولوگ و کارگزار اصلی انقلاب اسلامی و تفسیر وی از آموزه‌های تشیع، میسر نیست. با توجه به نقش و اهمیت ایدئولوژی در رفتار و کنش کارگزاران می‌توان گفت تشیع ویژگی‌های ایدئولوژی انقلابی را داشت و توسط ایدئولوگ انقلاب اسلامی توانست هم نظم موجود را زیر سؤال ببرد و هم نظام مطلوب جایگزین را نه تنها برای ایران بلکه برای سایر کشورها پی-ریزی کند.⁶

پتانسیل درونی اسلام شیعی و وجود عواملی در داخل این مذهب، امکان ارائه تفسیر مکتبی از آن را ممکن ساخت و از طرفی وجود عنا صری، زمینه‌های هژمونیک شدن آن را آسان کرد؛ از جمله این موارد می‌توان به عدالت اجتماعی و امامت انسان صالح و توانایی بالقوه باز تفسیر یا تفسیر ایدئولوژیک در تشیع بود. به دلیل وجود مفاهیمی مانند تقیه، شهادت، غیبت، انتظار، مذبح گرایي و ...، امکان انتقال تفسیر مکتبی به پیروان، و تسهیل روند پذیرش آن با شکل‌گیری عامل اجتهاد، نقش قابل توجه امام در مقام ایدئولوگ و معمار انقلاب اسلامی و مهم‌تر این‌که تشیع مکتبی توانست در روند بسیج منجر به انقلاب، کارکرد های معمول یک ایدئولوژی را به نحو مطلوب انجام دهد، یعنی در انتقال آگاهی سیاسی برای صف آرایي، نقد ترتیبات اجتماعی موجود برای زیر سؤال بردن وضع موجود، ارائه مجموعه جدید ارزشها و طرح کلی جامعه مطلوب و ... و بالاخره موفقیت در توجیه پیروان، مبني بر این‌که بر حقانیت و عقلانیت



مبتنی است، موفق شد و این موفقیت در انجام کارکرد های معمول ایدئولوژی در روند انقلاب به شکلی مطلوب به هژمونیک شدن آن انجامید.⁷ به این ترتیب با توجه به مبادی نظری اعتقادی شیعه می‌توان گفت تشیع، دکترین‌ها، نظریه‌ها، آموزه‌ها، و مفاهیم و نمادهایی داشته که با ارائه قرائت‌های رادیکال از آن یا دست کم با به حاشیه راندن قرائت‌های محافظه کارانه و به متن آوردن قرائت‌های انقلابی، ایدئولوژیک شده است.

نقش امام خمینی در روند ایدئولوژیک شدن تشیع

در فرایند انقلاب اسلامی، اسلام شیعی به مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی ساز جلوه‌گر شد. در این راستا نقش امام خمینی به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی برجسته است.

مهم‌ترین اقدام امام در این زمینه، ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه نسبت به سیاست بود. مبنای این تغییرات تفسیر جدیدی بود که امام از مفاهیم، آموزه‌ها و نمادهای اسلام شیعی انجام داد. بر مبنای این مکتب، اهداف اصلی جنبش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران عبارتند از:⁸

1. استقرار حاکمیت اسلام و حفظ وحدت جهان اسلام؛
 2. مبارزه با دشمنان اسلامی، استعمارگران و استثمارگران سرزمین‌های اسلامی؛
 3. مبارزه با ظلم، سلطه و استعمار در سطح جهانی؛
 4. کمک به نهضت‌های اسلامی، انسانی و رهایی بخشی در سطح جهان؛
 5. استقرار صلح و آرامش در جهان از راه براندازی ظلم، سلطه و استعمار و
- به این ترتیب، انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک و با جهان بینی نشأت



گرفته از مکتب اسلام، نه تنها در بُعد ملی احیاگر برنامه‌ها و نظریات خاص اسلام برای حکومت و دولتمداری است، بلکه در بُعد جهانی نیز با توجه به جهان شمولی مکتب اسلام، افکار و نظریات خاصی دارد.

امام خمینی، خواهان عدالتی جهانی بود و اعتقاد داشت که فقط نظم جهانی اسلامی می‌تواند چنین عدالتی را فراهم آورد. امام خمینی کاملاً تأکید می‌کرد که مقصد اسلام، عرضه عدالت برای همه عالم و نه صرفاً برای ایران یا برای جهان اسلام است.

اسلام خاص یک مملکت، چند مملکت، یک گروه یا حتی مسلمین نیست. اسلام برای بشر آمده است، اسلام به بشر خطاب می‌کند و تنها بر حسب مورد مؤمنین را خطاب می‌سازد. اسلام می‌خواهد همه بشر را زیر چتر عدالت خود بیاورد.⁹

از این رو انقلاب اسلامی با توجه به ایدئولوژی جهان شمول خود، احیای هویت واحد اسلامی و مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را هدف خود قرار داد. بر همین اساس از نظر کارگزاران انقلاب اسلامی، وطن اسلامی توسعه می‌یابد و در نهایت کل جهان را در بر می‌گیرد و از آنجا که برنامه اسلام نجات انسان‌هاست، لذا در این راستا اولین قدم، بحث صدور انقلاب است و به این ترتیب صدور انقلاب به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی هم‌چون استقلال، نیل به خصلت‌های انسانی، خودکفایی و حمایت از مستضعفان، ایجاد عدالت اجتماعی و... در دستور کار انقلابیون قرار گرفت.

از دیدگاه امام، اعتقاد به اسلام و ارزش‌های متعالی آن مترادف با احساس مسئولیت دائمی نسبت به سرنوشت کلیه انسان‌هاست... امام، انقلاب اسلامی را الگوی ارزش‌های مطلوب مردم ستم دیده می‌دانستند و معتقد بودند انقلاب

اسلامی از آن جهت که معرف آرمان‌های مردم محروم و مسلمانان مظلوم است، مورد پذیرش آنها قرار خواهد گرفت و مشی خود را بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری، نفی سلطه، سلطه‌گری و نفی سکوت و برخورد انفعالی قرار دادند.¹⁰ ایشان انقلاب اسلامی را به منزله امری عملی و تحقق‌پذیر به دنیا صادر کردند.

با این اوصاف به نظر می‌رسد هیچ جنبه دیگری از انقلاب اسلامی به اندازه مسئله صدور انقلاب و تهدید ثبات منطقه و امنیت منافع غرب، ترس دولتهای غربی و دولتهای دست‌نشانده آنها را در منطقه برنیا نگیخته است. به عبارت دیگر، رویکرد انقلابی نظام اسلامی ایران به مثابه الگویی برای دیگر جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان اسلام بوده است. در این میان انقلاب اسلامی بیش از هر کشور دیگری در کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه، سرمنشأ تحولات دامنه دار از درون و بیرون گردید. ایده‌های انقلاب اسلامی به تدریج در منطقه خاورمیانه گسترش یافت و موجب بی‌ثباتی‌های داخلی در بسیاری از کشورها گردید. انقلاب اسلامی در عرصه داخلی با تلاش برای تغییر بافت فرهنگی و اعتقادی جامعه، رو در روی نظام‌های ارزشی وارداتی قرار گرفت و با دعوت برای بازگشت به اسلام راستین، موفق به تجدید رفتار دولت‌مردان و تغییر در سیاست‌ها و اقدامات حکومت و ایجاد تحول در نظام ارزشی و مقابله با جریان‌های فکری - عقیدتی ضد دینی در جامعه اسلامی ایران شد.

انقلاب اسلامی در مورد اصلاح سیاسی - اجتماعی نیز چالشی همه‌جانبه را برای رفع توهم جدایی دین از سیاست در عرصه‌های نظری و عملی آغاز کرد و آن را منوط به تأسیس حکومت اسلامی دانست. کارگزاران انقلاب اسلامی، ادبیات سیاسی و ساختار سیاسی‌ای را پیشنهاد کردند که قرائتی دموکراتیک و مردمی از

حکومت اسلامی را در قالب جمهوری اسلامی عرضه می‌کرد.¹¹

به این ترتیب اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک روند فراگیر، سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و نه فقط مسلمانان را بلکه تمام مستضعفان جهان را به حرکت درآورد. از این رو غرب، وقوع انقلاب ایران در منطقه را تهدیدی برای نظام جهانی و منافع ابر قدرتها تلقی می‌کند. از طرفی با توجه به اینکه اصولاً تهدید نظامی از سوی جهان اسلام هیچ‌گاه مد نظر سیاستمداران غرب نبوده است، به نظر می‌رسد یکی از علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی در منطقه به آموزه‌های ایدئولوژیکی - فرهنگی اسلام برمی‌گردد که در انقلاب اسلامی نمود عینی یافت. فوازی جرجیس به این موضوع چنین اشاره کرده است:

اگر چه تهدید نظامی از سوی جهان اسلام از پایان قرن هفدهم متوقف شده بود، چالش فکری و مذهبی اسلام، همچنان بر تصور بسیاری از مردم غرب سایه افکنده است.¹²

در چنین فضایی به دلایلی آموزه‌های ایدئولوژیکی تشیع از حساسیت بیشتری برای غرب برخوردار است؛ چرا که تشیع با اعتقاد به غاصبانه بودن حاکمیت غیر معصوم هرگونه تسلط غیر مسلمان بر مسلمان را جایز نمی‌داند. از اینرو اعتقاد به همین باور اساس استعمار را به چالش می‌کشد. در این میان غرب از آموزه‌های تشیع ایرانی بیشتر احساس خطر می‌کند به طوری که آمریکا مطرح کرده که هراس-اش از ایدئولوژی اسلام انقلابی ایران است. زبان انقلابی ایران خطرناک است، چون فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار می‌دهد.¹³

تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین



الملل رخ داد و ارزشها و هنجارهایی را مطرح نمود که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت. از طرفی تحقق حاکمیت شیعی در ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان جهان گشود و شیعیان به عنصري تأثیر گذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند. نهضت حزب‌الله لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی بود که نخستین پیروزی مسلمانان و اعراب را در برابر اسرائیل محقق ساخت و بدین ترتیب راه پیروزی را به همه مسلمانان نمایاند.

انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر شیعیان

عده‌ای از صاحب‌نظران غربی معتقدند، حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلتیکی شیعه هم در نظر گرفته شود. ژئوپلتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است.¹⁴ در واقع، کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در بر می‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد.¹⁵

از طرفی با توجه به خصوصیات ژئوپلتیکی کشورهای واقع در حوزه ژئوپلتیک شیعه، ساختار طبیعی و انسانی ژئوپلتیک شیعه، صفاتی را به آن بخشیده که به منزله یک واحد کارکردی فعال و مؤثر در نظام جهانی عمل می‌کند. صفاتی نظیر منابع، جمعیت، طرز قرار گیری، موقعیت جغرافیایی و نظایر آن، منطقه

شکاف عمیق
تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه

اسلامی
(با)



را در مسائل مهم جهانی نظیر انرژی، عملیات و راهبرد نظامی، اندیشه دینی، امنیت بین المللی، تجارت جهانی و ... در گیر نموده است.

برای مثال شیعیان خلیج فارس در منطقه بسیار حساسی از نظر جغرافیای سیاسی قرار دارند. خلیج فارس به منزله مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مخزن نفتی جهان نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت اقتصادی جهان دارد. با این حال اهمیت این منطقه صرفاً در وجود منابع گسترده نفتی و معدنی آن خلاصه نمی‌شود و نقش سیاسی منطقه خلیج فارس با توجه به اهمیت ایدئولوژیکی، ارتباطی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک آن متبلور و آشکار است.

گاهی به شرایط اقتصادی سیاسی جمعیتی شیعیان منطقه روشن می‌سازد که به غیر از ایران در هیچ کشوری قدرت مطلق در دست شیعیان نیست و اکثر آنها در وضعیت نابسامان اجتماعی زندگی می‌کنند، به نحوی که حتی از داشتن یک زندگی معمولی محروم گشته‌اند و در بیشتر این مناطق با شیعیان همانند شهروند درجه دوم رفتار می‌شود و در اکثر کشورهای منطقه، اقلیت غیر شیعی همواره شیعیان را در معرض انزوا قرار داده‌اند. همین محرومیت‌های همه جانبه‌ای که بر شیعیان منطقه اعمال می‌شود، به اعتراض این اقلیت مذهبی انجامیده است. این اعتراض‌ها که به دنبال بالا رفتن سطح آگاهی اجتماعی متبلور شده‌اند، روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرند. تاریخ این منطقه هم بازتاب مبارزات مردمی به ویژه شیعیان در راه رسیدن به آزادی، استقلال، حاکمیت اسلامی و مشارکت سیاسی و اقتصادی است. در این راستا تحولات منطقه‌ای و بین المللی، تأثیر فراوانی در استمرار این حرکت‌ها داشته‌اند، به ویژه وقوع انقلاب اسلامی ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان منطقه

گشود و آنان را براي مبارزه براي تغيير وضع موجود رهنمون ساخت و اين در حالي است كه دولتهاي منطقه بي توجه به فاكتورهاي جغرافيايي سياسي شيعيان و مؤلفههاي مثبت جغرافيايي آنها، به گرايشها و تعصبات قومي - مذهبي متكي هستند. جدا سازي شيعيان از ديگر گروهها و جمعيتها و در انزوا قرار دادن، و همچنين عدم مشاركت آنان در قدرت و حاكميت كشور، نمود بارز بي توجهي به جنبههاي مختلف جغرافيايي سياسي از سوي دولتهاي منطقه به شمار مي آيد.¹⁶

در چنين فضايي با توجه به اينكه مؤلفههاي مثبت جغرافيايي شيعيان منطقه، ظرفيتهاي بالقوه فراواني براي ايفاي نقش آنان فراهم آورده است، تأثير بينش انقلابي ايران بر كشورهاي منطقه مي تواند ظرفيتهاي بالقوه را بالفعل سازد و منافع كشورهاي منطقه و به تبع آن منافع قدرتهاي غربي را به مخاطره اندازد.

با توجه به مطالب فوق به نظر مي رسد صرف نظر از تعارض آموزه هاي شيعه با مدرنيته غرب، موقعيت جغرافيايي آنان نيز در تضاد با منافع جهان صنعتي بوده و بنا بر اين بيش از پيش، حساسيت اين كشورها را برانگيخته است. در اين راستا منافع آنها در منطقه به مهار نيروي ژئوپولتيك شيعه بستگي دارد. البته براي غرب، موقعيت شيعيان ايران با ساير شيعيان در ساير قسمت هاي ژئوپولتيك شيعه فرق دارد. ايران تنها كشوري است كه شيعيان، اكثريت غالب آن را تشكيل مي دهند. در دو يا سه كشور ديگر نيز تعداد شيعيان زياد است و در ساير نقاط جهان اسلام شيعيان در اقليت هستند.¹⁷

اما با اين حال غرب به اين نكته هم توجه دارد كه به جز ايران، در ساير نقاط، شيعيان توسط دولتهاي منطقه در فقر و محروميت ننگه



داشته شده‌اند، از این‌رو به وضعیت خود معترض هستند و هر گونه تغییر در شرایط سیاسی کشورهای این حوزه، زمینه حاکمیت کامل و یا نسبی شیعیان را فراهم خواهد کرد.

از طرفی جمعیت شیعه عرب به لحاظ استراتژیکی در قلب بزرگترین منطقه نفت خیز خاورمیانه و در عرض شاهراه‌های نفتی خلیج فارس قرار دارند. با توجه به این موضوع، فولر در کتاب **شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده** بیان می‌کند که از بُعد نظری، شیعیان عرب به همراه ایران می‌توانند بیشتر منابع نفتی خلیج فارس را تحت کنترل خود درآورند.¹⁸

شاید آگاهی از این مسئله باعث شده که آمریکا در عراق تدابیر خاصی اتخاذ کند، چرا که در عراق شیعیان از برتری نسبی در دولت جدید برخوردار شده‌اند و این حضور در چهارچوب حساسیت غرب نسبت به ژئوپلتیک شیعه قابل تحلیل است.

استراتژی غرب در قبال انقلاب اسلامی

در طول سده بیستم، مرکزیت جغرافیای فرهنگی – عقیدتی (ژئوایدئولوژی)، جغرافیای سیاسی (ژئوپلتیک)، جغرافیای راهبردی – امنیتی (ژئواستراتژیک) در قاره اروپا و جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومیک)، در منطقه خاور میانه قرار داشت. اما حوادثی از جمله پیروزی انقلاب اسلامی و تبعات آن، فروپاشی شوروی و آثار آن و مسئله نفت و تأثیرات جهانی آن باعث شده تا قبله عالم فرهنگی (عقیدتی)، سیاسی، اقتصادی نظام بین‌الملل دچار تغییر و تحول بنیادین شود و قبله عالم نوین در سده 21 منطقه خاورمیانه و جهان اسلام قرار گیرد، به طوری که بازیگران خرد و کلان تلاش می‌نمایند تا جایگاه و رویکرد خویش را در قبال این مرکزیت عقیدتی سیاسی امنیتی

اقتصادی جهان تبیین و مشخص نمایند.¹⁹ در این راستا، در حال حاضر نخبگان و سیاستگذاران غربی، علاوه بر سه عامل امنیت، سیاست و اقتصاد، موضوع اسلام و یاقرائت خاصی از آن را به عنوان پایه چهارم برخورد غرب با این منطقه در نظر دارند.²⁰ در چنین فضایی ایران به منزله قبیله عالم سیاسی امنیتی اقتصادی در منطقه مورد توجه بوده، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد عقیدتی نیز بدان اضافه شده است، به طوری که نو محافظه کاران آمریکا نیز به این امر تصریح نموده اند که ایران مهم ترین و اصلی ترین عنصر در خاورمیانه و جهان اسلام است؛ چرا که نحوه استقرار و حاکمیت فرایند تعامل خدا و انسان در نظام، حکومت، سیاست و اجتماع که در جمهوری اسلامی ایران مورد آزمایش است، در آینده تعیین کننده خواهد بود.²¹

به این ترتیب تلاش برای ایجاد تغییری اساسی در انقلابی که به صورت یک قدرت ژئوپلیتیکی یکپارچه عمل می کند، برای غرب امری حیاتی به نظر می رسد، در این راستا اهمیت ایران در جمع و متمرکز کردن ایدئولوژی اسلامی و قراردادن آن در مخالفت مستقیم با غرب سکولار و دولتهای خاورمیانه وابسته به آمریکا نهفته است. لذا غرب برای مقابله با انقلاب اسلامی، که هم از زاویه منافع ملی و اهداف سرزمینی و هم از بُعد اهداف جهان شمول اسلام و باورهای ارزشی فراگیر، با ادعای قیادت جوامع بشری از سوی غرب به معارضة و ستیز برمی خیزد نیاز به بازنگری سیاستهای تهاجمی خود داشت. در این بازنگری غرب به سه استراتژی برای تغییر ج . ا . ا و زوال انقلاب اسلامی دست یافت:²²

1. استراتژی سیاسی - نظامی؛
2. استراتژی سیاسی - اقتصادی؛



3. استراتژی سیاسی - فرهنگی.

از دیدگاه نظریه پردازان غرب، استراتژی سیاسی فرهنگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در حقیقت عصاره همه سیاستها به شمار می رود. محور استراتژی مذکور، ایجاد تغییرات از طریق فروپاشی ارزشهای انقلاب اسلامی و تعدیل ایدئولوژیک اسلام است، یعنی همان شیوه - ای که نظام ج . ا . ا نیز در معارضه با رژیم سلطنتی و سلطه سیاسی - فرهنگی غرب از طریق به کارگیری آن به پیروزی رسید.²³ با توجه به مطالب فوق، امنیت ملی ایران در برابر استراتژی غرب در قالب دو بُعد امنیتی قابل تحلیل و بررسی است:

بُعد نخست، نظم و ثبات حاکم بر حوزه ژئوپلیتیک شیعه است. به این معنا که هر گونه بی نظمی و بی ثباتی سیاسی در حوزه ژئوپلیتیک شیعه به بی ثباتی و تهدید امنیت ملی منجر خواهد شد. از طرفی مجاورت جغرافیایی سیاسی می تواند بر روابط کشورها تأثیر گذار باشد. به عبارتی یکی از مشخصات کمی و کیفی کشورهای حیاتی، سطوح اصطکاک این کشورها و نگرانی شدید از وجود همسایگان پردرد سر است. این همسایگان پردرد سر با رفتارهای خشونت آمیز، بحران عمیق امنیتی ایجاد می کنند. مجاورت ایران و آمریکا از طریق مرزهای شرقی (افغانستان) و غربی (عراق) از این قاعده مستثنا نیست.

بُعد دوم در ارتباط با امنیت ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه مربوط به نقش و اهمیت عوامل مختلف داخلی در تضمین و تأمین امنیت و ثبات سیاسی است. ایران از یک هسته ایرانی تشکیل شده که اطرافش را اقلیت‌هایی، بعضاً با گرایش‌های جدایی طلبانه کم و بیش اظهار شده احاطه کرده اند. این اقلیتها، خطوط شکننده و مناطق نفوذ احتمالی برای دشمنان بالقوه را تشکیل می دهند، لذا هر گونه بی توجهی نسبت به اقلیت-

هاي غير شيعي در روند سياستگذاريها موجب تهديد وحدت و يکپارچگي کشور مي‌شود. هم-چنين آگاهي از موقعيت ژئوپولتيکي و آموزه‌هاي انقلابي شيعه در ايران باعث شده که آمريکا تمام توان خود را به کار گيرد تا مانع از موفقيت حکومت ايران به منزله الگوي يک حکومت شيعي موفق در منطقه شود و از هر نوع کارشکني براي عدم موفقيت ايران در منطقه استفاده مي‌کند. اين اقدامات و کارشکنيها در مقاطع مختلف، اشکال گوناگوني داشته است. انواع تحريم‌هاي اقتصادي و سياسي، دامن زدن به اختلافات داخلي، بي‌اعتنا کردن مردم براي حمايت از حکومت، افزايش اختلافات قومي و نژادي چه در داخل و چه در سطح منطقه از جمله ترفيندهايي است که آمريکا براي تحت فشار قرار دادن حکومت در ايران و ايجاد جو ناامني و تشنج در منطقه به کار گرفته است. هم‌چنين جنگ رواني و تبليغاتي عليه ايران و ايدئولوژي انقلاب اسلامي در طول دو دهه گذشته همواره در دستور کار سياستمداران غربي قرار گرفته است. به نظر مي‌رسد اين اقدامات به منظور عقب نشيني ايران از موضع‌گيري‌هاي ارزشي در سطح بين الملل، کاهش نقش منطقه‌اي و بين المللي ايران، ممانعت از الگوگيري ديگر ملتها از ايران و فشار مضاعف بر جريان-هاي ناب شيعي و اسلامي طرفدار جمهوري اسلامي و تضعيف کيان اسلام و تشيع صورت مي‌گيرد.

جمع‌بندی

وقوع انقلاب اسلامي در ايران پي‌آمدهايي را در منطقه به دنبال داشت، از جمله اين که عوامل مؤثر بر ژئوپوليتک منطقه را متحول ساخت و باعث شد غرب از زاوية ديگري به منطقه و عناصر ژئوپولتيک آن توجه کند. در اين راستا ايدئولوژي اسلام ناب و مفاهيم و



آموزه‌های انقلابی آن علاوه بر اینکه به منزله رقیب جدی برای لیبرالیسم غرب مطرح شد، به عنوان عاملی ژئوپلتیک نیز نظر بسیاری از صاحب‌نظران غربی را به خود جلب کرد، به طوری که شاید بتوان گفت عنصر تشیع در انقلاب اسلامی و سایر حرکت‌ها و جنبش‌های شیعی در منطقه، سایر عوامل ثابت و متغیر ژئوپلتیک منطقه را به لحاظ اهمیت، حساستر و مهم‌تر ساخته است.

هر چند محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی، سیاسی که حکومت‌های منطقه بر شیعیان اعمال کرده‌اند، موجب شده تا تأثیرات ژئوپلتیکی آنها کاهش یابد، اما با این حال با توجه به اینکه والاترین دست‌آورد انقلاب اسلامی ایران، تربیت انسان جدیدی بود که قادر به ایستادگی و مقاومت در مقابل ظلم بود، می‌توان گفت این مسئله با ایجاد یک مبارزه جویی جدید، بزرگ‌ترین تهدید برای موضع موجود و ثبات تحمیلی غرب بر منطقه بود و نیز برای قدرتهای غربی که بر مواضع استراتژیک و منابع زیرزمینی کشورهای منطقه تکیه دارند، محسوب می‌شود. این مبارزه جویی جدید، در اشکال مختلف در همه جا گسترده شده است، به طوری که می‌توان اذعان کرد که هیچ حادثه‌ای، این چنین منافع دولتهای غرب، اسرائیل و بسیاری از کشورهای محافظه کار منطقه را در معرض خطر قرار نداده است.

در چنین فضایی، تبلیغات جهانی برای خطرناک جلوه دادن اسلام که البته با جنبه‌هایی از افراطی‌گری نیز همراه بوده، در دستور کار غرب (آمریکا) قرار گرفته است. اسلام رسانه‌ها محصول چنین روی‌کردی است. در واقع اسلام رسانه‌ها، اسلامی است که وجود خارجی ندارد و محصول رسانه‌های تبلیغاتی غربی برای ترساندن انسان غربی از جهان اسلام و مسلمانان است تا افکار عمومی غربی‌ها به سلطه غرب بر شرق و

قتل و غارت شرق و کشتار مردم مسلمان توسط
آمریکا و صهیونیسم رضایت دهد و دم
برنیاورد.²⁴

مشالات
تأکید بر عنصر ژئوپولیتیک شیعه)
اسلامی (با
انقلاب از غرب
انگرنی
علل نگرانی

پی‌نوشت‌ها

1. محمد صفی، ژئوپلتیک فرهنگی و مسأله امنیت ملی (تهران: شمس، 1380) ص 46.
2. همان، ص 71 - 72.
3. حمید پاشاپور، نهضت‌های اسلامی، بازیگران جدید نظام بین الملل (تهران: مطالعات اندیشه سازان نور، 1382) ص 226 - 227.
4. محمد مسجد جامعی، ایدئولوژی و انقلاب (بی‌جا، بی‌نا، 1361) ص 126.
5. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست (تهران: نشر نی، 1373) ص 84.
6. محمد مسجد جامعی، زمینه‌های تفکر سیاسی در اسلام در قلمرو تشیع و تسنن (انتشارات الهدی، 1369) ص 252.
7. حمید اخوان مفرد، ایدئولوژی انقلاب ایران (تهران: پژوهشکده امام خمینی «ره» و انقلاب اسلامی، 1381) ص 133.
8. ابوالفضل عزتی، اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی (تهران: هدی، بی‌تا) ص 301.
9. جان. ال، اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه: محسن مدیر شانه‌چی (تهران: باز، 1382) ص 62.
10. فیروز دولت آبادی، صدور انقلاب، تمنا و تقابلی از درون و بیرون، فصلنامه حضور، شماره 26 (زمستان 77) ص 89 - 90.
11. حمید پاشاپور، پیشین، ص 220.
12. فوازی جرجیس، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه محمد کمال سروریان (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1382) ص 25.
13. همان، ص 231.
14. فرحناز مایل افشار، «ژئوپلتیک شیعه»، نشریه سیاست روز، 83/3/5.
15. تشیع، مقاومت و انقلاب، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو (بی‌جا، بی‌نا، 1984) ص 36.



16. **زينب متقي زاده، جغرافياي سياسي شيعيان**
منطقه خليج فارس (قم: موسسه شيعه شناسي، 1384)
ص 203

17. محمود تقي زاده داوري، «شيعه و مذاهب ديگر،
بررسي حوزه هاي جغرافياي تعاملي و چالشي»، فصلنامه
تخصصي **شيعه شناسي**، سال دوم، شماره 8 (زمستان 83)
ص 178.

18. همان، ص 183.

19. حسن حسيني، **طرح خاورميانه بزرگتر (القاعده**
و قاعده در راهبرد امنيت ملي آمريکا) (تهران:
مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار
معاصر، 1383) ص 159.

20. همان، ص 178.

21. همان، ص 196.

22. مظفر نامدار، **رهيافتي بر مباني مکتبها و**
جنبش هاي شيعه در صد سالت اخير (تهران: پژوهشکده
علوم انساني و مطالعات فرهنگي، 1376) ص 11.

23. همان، ص 15.

24. براي اطلاعات بيشتري نك. به: ادوارد سعيد،
اسلام رسانه ها، ترجمه اكبر افسري (تهران: نشر توس،
1379).